

An Examination of Emerging Spiritualities from the Perspective of Allameh Mesbah Yazdi*

✉ **Hassan Qarehbaghi**  / PhD Graduate in Islamic Theology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran qarehbaghi@chmail.ir

Amir Pazhuhandeh / PhD Candidate in Islamic Theology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran Apn.m1372@gmail.com

Hamidreza Goudarzi / PhD Graduate in Philosophy of Religion, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran Goudarzi5579980124@gmail.com

Received: 2025/10/14 - **Accepted:** 2026/02/02 - **Published:** 2026/06/08

Abstract

This study examines Allameh Mesbah Yazdi's perspective on emerging spiritualities in a descriptive-analytical manner. Through an analysis of his works, the article endeavors to investigate the origins of emerging spiritualities, elucidate their differences from the Islamic approach, and analyze their consequences. Allameh holds that emerging spiritualities are rooted in Western civilization and spiritual disillusionment, and that by promising easier access to tranquility and spiritual power, they lead the youth astray. In contrast to authentic Islamic spirituality, which emphasizes servitude and proximity to God, emerging spiritualities predominantly pursue the acquisition of a state of spiritual superiority. He explicitly asserts that false spiritualities cannot serve as a substitute for religion or guide humanity to true perfection; rather, he regards them as snares of Satan that endanger religious doctrines and lead human life astray. This research demonstrates that, in his view, countering the cultural-educational influences of these spiritualities is realized through several categories: 1. Elucidation of the epistemological foundations of religion; 2. Role-modeling and encouragement of the youth; 3. Attention to authentic sources; 4. Constructive engagement with the youth; 5. Attention to supplication and religious devotions.

Keywords: Spirituality, False Mysticism, Religion, Allameh Mesbah Yazdi, Emerging Spirituality, Western Culture, Shahid Motahhari.

*This paper was presented at the international conference "Islamic Humanities:

In Commemoration of Allamah Mohammad Taqi Mesbah Yazdi."



Copyright: © 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions

of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی عرفان‌های نوظهور از نگاه علامه مصباح یزدی*

حسن قره‌باغی  / دانش‌آموخته دکتری کلام اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران qarehbaghi@chmail.ir

امیر پژوهنده / دانش‌پژوه دکتری کلام اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران Apn.m1372@gmail.com

حمیدرضا گودرزی / دانش‌آموخته دکتری فلسفه دین، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ - انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸ Goudarzi5579980124@gmail.com

چکیده

این پژوهش دیدگاه علامه مصباح یزدی درباره عرفان‌های نوظهور را به صورت توصیفی - تحلیلی بررسی می‌کند. مقاله با تحلیل آثار ایشان تلاش دارد خاستگاه عرفان‌های نوظهور را واکاوی کرده، تفاوت آنها را با رویکرد اسلامی تبیین و پیامدهای آنان را تحلیل کند. علامه بر این باور است که عرفان‌های نوظهور ریشه در تمدن غرب و سرخوردگی معنوی دارند و با وعده دستیابی آسان‌تر به آرامش و قدرت روحی، جوانان را منحرف می‌کنند؛ برخلاف معنویت اصیل اسلامی که بر بندگی و تقرب به خدا تأکید دارد، عرفان‌های نوظهور عمدتاً در پی کسب حالت روحی برتری هستند. ایشان با تصریح به اینکه عرفان‌های کاذب نمی‌توانند جایگزین دین شوند و انسان را به کمال حقیقی برسانند، آنها را دام شیطان می‌دانند که آموزه‌های دینی را به مخاطره می‌اندازند و زندگی انسانی را به انحراف می‌کشانند. این تحقیق نشان می‌دهد که ایشان معتقدند مقابله با تأثیرات فرهنگی - تربیتی این عرفان‌ها در چند مقوله تحقق می‌یابد؛ ۱. تبیین مبانی معرفتی دین؛ ۲. الگوسازی و تشویق جوانان؛ ۳. توجه به منابع اصیل؛ ۴. تعامل سازنده با جوانان؛ ۵. توجه به دعا و عبادات دینی.

کلیدواژه‌ها: معنویت، عرفان کاذب، دین، علامه مصباح یزدی، عرفان نوظهور، فرهنگ غرب، شهید مطهری.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، جهان شاهد رشد چشمگیر جریان‌هایی با عنوان معنویت‌های نوین یا عرفان‌های نوظهور بوده است؛ جریان‌هایی که با بهره‌گیری از مفاهیم روان‌شناختی، تمرین‌های ذهنی، و شعارهای جذاب معنوی در صددند تا جایگزینی برای دین و معنویت حقیقی ارائه دهند. این جریان‌ها عمدتاً توسعه‌یافته فرهنگ غربی و فلسفه‌های سکولار هستند که با وعده‌هایی چون آرامش درونی، قدرت ذهنی و تجربه‌های عرفانی فردی (ر.ک: هان، ۱۴۰۴؛ آندرسن، ۱۳۹۳) توانسته‌اند مخاطبان بسیاری را جذب کنند. این جریان‌ها که ابتدا در جوامع غربی گسترش یافتند، به تدریج در کشورهای دیگر از جمله ایران نیز نفوذ کردند. در ایران، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، برخی از این عرفان‌ها و آموزه‌ها با عناوین مختلف وارد فضای فرهنگی و اجتماعی شده‌اند. با توجه به بافت دینی و اعتقادی جامعه ایران، نفوذ این جریان‌ها می‌تواند پیامدهای جدی در حوزه‌های تربیتی، اخلاقی و اجتماعی به همراه داشته باشد؛ به‌ویژه با توجه به نشر گسترده کتب و آثار آنان از ابتدای دهه هشتاد. از این‌رو شناخت دقیق این جریان‌ها و تحلیل مبانی و آسیب‌های آنها ضرورتی انکارناپذیر است.

«معنویت‌های نوظهور» (New spirituality) یا «جنبش‌های نوپدید دینی» (New religious movements)، جریان‌هایی مانند آشو، کریشنامورتی، پائولو کوئلیو، دالایی لاما، یوگاناندا و تی‌ام، مومون‌ها و... هستند که به‌طور گسترده از قرن نوزدهم میلادی به بعد در جهان رواج پیدا کردند و غالباً خارج از روال متعارف ادیان، خصوصاً مسیحی - کلیسایی، هستند (شلدراک، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳-۲۴۷؛ باقری، ۱۳۹۱، ص ۵۹-۶۵). بسیاری از این جنبش‌ها ادیان رایج را کارآمد و پویا نمی‌دانند و لذا بدون ارائه دادن مناسک و راه‌های اخلاقی صحیح یا حتی رفع مشکلاتی که برای ادیان قائل‌اند، در صدد برآمده‌اند تا با ارائه و آموزش تفکرات برآمده از درون و تجربه خود یا مخلوط‌شده با برخی ادیان و مکاتب، پیروان خود را برای برون‌رفت از مشکلات و رنج‌های زندگی مهیا سازند. این معنویت‌ها دارای شاخصه‌هایی اساسی‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: نادیده گرفتن خدا به‌عنوان حقیقت غایی؛ شادامگی به‌عنوان هدف؛ خردستیزی و منطق‌گریزی؛ شریعت‌ستیزی و فقه‌گریزی؛ انکار معاد و طرح مسئله تناسخ؛ فقدان مبانی عملی و نظری صحیح؛ انسان‌محوری و... (شریفی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵-۲۴۰؛ باقری، ۱۳۹۱، ص ۶۸-۷۹).

لذا با توجه به تأثیرات گسترده عرفان‌های نوظهور بر سبک زندگی، باورهای دینی و هویت فرهنگی افراد، بررسی آسیب‌شناسانه این جریان‌ها از منظر دینی و معرفتی ضرورتی علمی و اجتماعی دارد. این جریان‌ها نه تنها با آموزه‌های اصیل اسلامی در تعارض‌اند، بلکه با ترویج نوعی معنویت فردگرایانه، غیرتعهدی و گاه ضددینی، زمینه‌ساز انحرافات فکری و معنوی در جامعه می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵).

در زمینه ارزیابی و بررسی عرفان‌ها و معنویت‌های نوظهور کتب و مقالات زیادی با رویکردهای مختلف و

از منظرهای متعددی نگاشته شده است. برای نمونه، محمدتقی فعالی در کتاب *آفتاب و سایه‌ها*، حمیدرضا مظاهری سیف در کتاب *جریان‌شناسی عرفان‌های نوظهور*، حمزه شریفی‌دوست در کتاب *عرفان‌های کاذب، راه‌های نفوذ و راهکارهای مقابله*، احمدحسین شریفی در کتاب *عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب*، و... به بررسی این جریان‌ات معنوی پرداخته‌اند. در این میان جای پژوهشی که دیدگاه علامه مصباح یزدی را در این زمینه بیان کرده باشد، خالی است که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد.

در میان اندیشمندان معاصر، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی از جمله چهره‌هایی است که با توجه به نگاه فلسفی، معرفتی، تربیتی و نیز سلوک معرفتی ایشان، می‌توان به نقد و تحلیل عرفان‌های نوظهور پرداخت. دیدگاه‌های ایشان بر مبانی عمیق قرآنی، فلسفه اسلامی و عرفان ناب شیعی مبتنی است و از انسجام نظری و دقت علمی برخوردار است. از نگاه علامه مصباح یزدی، مقابله با این جریان‌ها صرفاً در سطح هشدار اخلاقی کافی نیست؛ بلکه باید بر پایه تحلیل فلسفی و معرفتی عمیق به نقد عرفان‌های نوظهور پرداخت. ایشان با تأکید بر فطرت خداجوی انسان و جایگاه دین در تحقق کمال انسانی، عرفان‌های نوظهور را جریان‌اتی منحرف و خطرناک می‌دانند که با ظاهر معنوی، اما بدون جهت‌گیری الهی، انسان را از مسیر بندگی و معرفت دور می‌سازند. از این‌رو بررسی دیدگاه ایشان می‌تواند چهارچوبی نظری برای تحلیل عرفان‌های نوظهور فراهم آورد و راهکارهایی برای مواجهه صحیح با این پدیده ارائه دهد. امری که در این مقاله تلاش می‌شود تا با تکیه بر نظام اندیشه‌ای ایشان انجام گیرد.

۱. عوامل گرایش به معنویت‌های نوظهور

علامه مصباح یزدی در تبیین عوامل گرایش به عرفان‌های نوظهور به سه عامل اشاره می‌کند که در ادامه به تحلیل آنها می‌پردازیم.

۱-۱. بحران‌های روانی و فرهنگی تمدن غرب

چنان‌که در ادامه خواهد آمد، فطرت خداگرایی انسان هسته مرکزی هویت اوست. از دیدگاه علامه مصباح، انسان تنها در صورتی به آرامش اصیل دست می‌یابد که به این ندای درونی پاسخ مثبت دهد و با تمسک به ایمان و عمل صالح، بر تمنیات نفسانی غلبه کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۰۴). قرآن کریم به روشنی این حقیقت را تبیین می‌نماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). در نقطه مقابل، رویگردانی از یاد خدا و فاصله گرفتن از کمالات اخلاقی و معنوی، فرد و جامعه را از حالت تعادل خارج می‌کند و به بحران هویت و معنا دچار می‌سازد. این بحران، اضطرابی دائمی را به‌ارمغان می‌آورد که زندگی دنیوی را با دشواری‌های مضاعف روبه‌رو می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳). ایشان در این زمینه می‌فرماید:

امروزه جهان غرب با مشکلات بسیاری مواجه است... بیش از یک قرن است مشکلات فرهنگی‌شان آنها را در وضعی ناآرام قرار داده است. امروز نسل جدیدشان برای رسیدن به آرامش هر کاری می‌کنند؛ ولی هیچ راهی برای رسیدن به آرامش نمی‌یابند. در نهایت هم از فشار، اضطراب‌ها، دلهره‌ها، نگرانی‌ها و فشارهای روحی به مخدرات، مسکرات و داروهای روان‌گردان روی می‌آورند تا شاید لحظه‌ای آرامش پیدا کنند... همه این مشکلات به این دلیل است که از مسیر خدادادی منحرف شده‌اند و خواه‌ناخواه دودش هم به چشمشان خواهد رفت و آنها را به آفت‌هایی مبتلا خواهد کرد. اگر در کشور ما هم مشکلات فرهنگی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی وجود دارد، بر اثر موجی است که از آن توفان به ما سرایت کرده است؛ موجی که بر اثر پیشرفت رسانه‌ها و ماهواره‌ها در بین جوانان ما گسترش یافته است. بنابراین اگر آفت‌هایی هست، آثار فرهنگ آن سرزمین است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵).

چنان‌که مشخص است، علامه مصباح با تحلیل فلسفه‌های حاکم بر تمدن غرب، علت اصلی این بحران را در انحراف از مسیر حق و سلطه فلسفه‌های مادی‌گرایانه می‌داند. به‌باور ایشان، غرب مدرن با محور قرار دادن اومانیسم (انسان‌محوری)، سکولاریسم و عقلانیت ابزاری، خدا را از صحنه زندگی فردی و اجتماعی بیرون راند و در مقابل فرهنگ اسلامی قرار گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۷). غرب وعده داد که در پرتو پیشرفت علمی و اقتصادی می‌تواند رفاه و آسایش بیشتری تأمین کند؛ اما این تظاهر آرمان‌شهری، به کابوسی از پوچی، اضطراب و بی‌هنجاری تبدیل شد. جوامع غربی با وجود دستیابی به رفاه مادی، با معضلات عمیق روحی همچون افزایش بی‌سابقه افسردگی، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، فروپاشی نهاد خانواده و بی‌معنایی مواجه شدند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۶).

ایشان بیان می‌کنند که این بحران نتیجه مستقیم یک سرخوردگی معنوی است. زمانی که بشر غربی از وعده‌های دروغین مادیگری خسته شد و دریافت که مسائل مادی نه تنها نیازهای اصیل او را برآورده نکرده، بلکه بر عمق مشکلاتش افزوده است، ناگزیر به‌سوی معنویت بازگشت (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵)؛ اما از آنجاکه هنوز تحت تأثیر همان پیش‌فرض‌های سکولار و مادی بود، در این بازگشت، به‌جای روی آوردن به دین اصیل، به‌سمت معنویت‌های خودساخته، زمینی و بی‌تکلیف سوق یافت. این عرفان‌های نوظهور، محصول التقاط بحران‌زده غرب و عطش فطری بشر برای معنایند.

برخی افراد و گروه‌ها در غرب، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا، با هدف دستیابی به آرامش روحی و رهایی از فشارهای تمدن صنعتی به زندگی در مناطق دورافتاده مانند جزایر اقیانوسیه، جنگل‌ها و روستاهای دور از شهرهای بزرگ روی آورده‌اند. این گرایش نوعی تلاش برای بازگشت به سادگی و فاصله‌گیری از پیچیدگی‌های زندگی مدرن تلقی می‌شود. از جمله نمونه‌های بارز چنین جریان‌هایی، فرقه‌های مذهبی مسیحی‌ای هستند که

به‌طور آگاهانه خود را از دستاوردهای تمدن امروزی کنار کشیده‌اند. گروه منونایت‌ها (Mennonites) و آمیش‌ها (Amish) از جمله این جوامع‌اند که با انتخاب سبک زندگی ساده و سنتی، در مناطق روستایی و جنگلی سکونت دارند و تا حد امکان از فناوری‌های نوین پرهیز می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵). برخی از اعضای این گروه، حتی از وسایل حمل‌ونقل مدرن، مانند هواپیما، استفاده نمی‌کنند و در امور کشاورزی نیز همچنان از ابزارهای سنتی مانند گاوآهن بهره می‌گیرند (The Mennonites, n. d.).

یکی دیگر از واکنش‌هایی که انسان‌های بحران‌زده انجام دادند، روی آوردن به اموری بود که نام عرفان بر آن می‌گذاشتند و بر روش‌هایی چون ریاضت، مراقبه و تمرکز درونی تکیه داشتند. علامه مصباح در این زمینه می‌گوید:

افرادی نیز در صدد برآمدند دنبال روش‌هایی که اسم آن را عرفانی گذاشتند، بروند؛ گرایش‌هایی که به نوعی ریاضت و مراقبت و مانند آنها نیاز دارد. این روش‌ها در مشرق‌زمین سابقه طولانی دارد و حتی بودیست‌ها و هندویست‌ها نیز این روش‌ها را دارند؛ مانند یوگا، ذن و روش‌های دیگر که می‌کوشند از طریق آنها خودشان را از گرفتاری‌های دنیا برهانند و لااقل ساعتی به آرامش برسند. اصلاً هدف از تأسیس برخی از مذاهب، وجود آرامش است؛ برای نمونه، مذهب بودا برای همین منظور تأسیس شده است؛ در مذاهب هندو هم گرایش‌های زیادی به این سبک وجود دارد. یوگا یکی از نمونه‌هاست. مشابه این در ژاپن و چین هم وجود دارد. به تازگی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها گرایش پیدا کرده‌اند که این روش‌ها را یاد بگیرند و از آنها استفاده کنند تا به آرامشی برسند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵).

به‌باور علامه، این نوع واکنش، هرچند در ظاهر نوعی اعتراض به تمدن مدرن و جست‌وجوی آرامش است، اما نمی‌تواند جایگزین معنویت اصیل و الهی شود. ایشان با تمایز میان عرفان دینی و عرفان‌های غیرالهی تأکید می‌کنند که عرفان اسلامی مبتنی بر بندگی خدا و تقرب قلبی به ذات حق است؛ لذا آرامش حقیقی تنها از طریق بندگی خدا (مصباح یزدی، ۱۳۹۶ الف، ج ۲، ص ۲۰۸) و اتصال به منبع هستی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ هـ ص ۱۶۴) حاصل می‌شود، نه از طریق کناره‌گیری از تمدن یا تمرین‌های روانی و ریاضت‌های بدنی یا تجربه‌های ذهنی. این جریان‌ها، گرچه ممکن است به تمرکز، آرامش یا قدرت‌های روحی منجر شوند، فاقد جهت‌گیری الهی‌اند و نمی‌توانند انسان را به کمال حقیقی برسانند. از نظر علامه مصباح، تمرین‌هایی مانند هیپنوتیسم، تمرکز ذهنی یا ریاضت‌های شدید، اگرچه آثار روانی دارند، عرفان حقیقی محسوب نمی‌شوند؛ زیرا فاقد عنصر معرفت الهی‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ ج ۱، ص ۱۷۱).

۱-۲. انتقال بحران از غرب و جهانی‌سازی پوچی و معنویت‌های بدلی

علامه مصباح یزدی هشدار می‌دهد که جوامع اسلامی در دوران معاصر از این طوفان بحران‌زا در امان نمانده‌اند.

ایشان با در نظر گرفتن نقش شگرف رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی تأکید می‌کنند، طوفانی که در غرب سکولار آغاز شد، به سرعت مرزها را درنوردید و مشکلات فرهنگی، روانی، اخلاقی و اجتماعی را به دامن جوامع اسلامی نیز کشاند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵).

ایشان در تحلیل این وضعیت، نگاهی دقیق و دوجبهی دارند: از یک سو مشکلات جوامع اسلامی را در قیاس با بدبختی‌های گریبانگیر جوامع غربی ناچیز می‌شمارند؛ و از سوی دیگر، ریشه اصلی نابسامانی‌ها در جهان اسلام را نه در ساختارهای بیرونی، بلکه در ضعف ایمان و عمل نکردن دقیق به دستورهای دینی می‌دانند. به بیان ایشان، «نابسامانی‌های جوامع اسلامی نیز از ضعف ایمان و درست و دقیق عمل نکردن به دستورات خدا به وجود آمده و به‌میزانی که این نقاط ضعف برطرف و دقت در عمل بیشتر شود، آن نابسامانی‌ها نیز برطرف خواهد شد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۱، ص ۲۶۶).

لذا می‌توان به یک واکنش نامناسب از سوی مسلمانان اشاره کرد: به جای اینکه با بازگشت به دامن اصیل اسلام و تقویت بنیان‌های ایمانی و عملی، خود را در برابر این طوفان واکسینه کنند، گروهی از آنان، فریفته جاذبه‌های سطحی و فریبنده عرفان‌های وارداتی می‌شوند. این امر نشان می‌دهد که ضعف ایمان، زمینه‌ساز پذیرش معنویت‌های بدلی شده است.

۱-۳. جاذبه‌های ظاهری عرفان‌های نوظهور

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل گرایش مردم به عرفان‌های نوظهور، جاذبه‌های ظاهری این جریان‌هاست. علامه مصباح با تحلیل روان‌شناختی انسان بیان می‌کند که «غریزه اصیل در انسان، گرایش به آسایش و راحت‌طلبی دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۳، ص ۱۲۵) و دوست دارد که «همیشه شاد باشد و به خوشی زندگی خود را بگذراند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۲، ص ۴۲)؛ لذا عرفان‌های نوظهور با بهره‌گیری از این گرایش طبیعی، راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که در ظاهر آسان، لذت‌بخش و بدون الزام به ریاضت‌های شرعی و اخلاقی‌اند؛ مانند موسیقی، رقص، مدیتیشن‌های مختلف، مانند پیاده‌روی و چای خوردن و اموری از این قبیل (ر.ک: قرمباغی، ۱۴۰۳، ص ۹۳-۱۵۴؛ باقری، ۱۳۹۱).

این جریان‌ها با تأکید بر تجربه‌های عرفانی فردی، آزادی از قیود دینی، و لذت‌جویی معنوی (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۹۳) توانسته‌اند جوانانی را که در جست‌وجوی معنایند، اما آمادگی پذیرش سختی‌هایی را در جهت رسیدن به کمال ندارند، به خود جذب کنند؛ درحالی‌که در معنویت اسلامی، در کنار لذت‌های حلال، بر تهذیب نفس (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۹۱) برای رسیدن به کمال انسانی تأکید شده است. عرفان‌های نوظهور عمدتاً به دنبال ایجاد حالات روحی خاص و احساساتی‌اند که نه ریشه در معرفت دارند و نه به کمال انسانی منتهی می‌شوند.

علامه مصباح این گرایش‌ها را «دام بزرگ شیطان» می‌نامد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵)؛ دام‌هایی که با رنگ و لعاب معنویت، انسان را از مسیر حق منحرف می‌کنند و نه تنها به کمال نمی‌رسانند، بلکه زمینه‌ساز انحرافات فکری، اخلاقی و اجتماعی می‌شوند.

با توجه به مطالب یادشده، از نگاه علامه مصباح یزدی، گرایش به معنویت‌های نوظهور یک علت بیرونی دارد و یک علت درونی. بحران معنوی غرب (علت بیرونی)، از طریق کتب و رسانه‌ها به جوامع اسلامی سرایت کرده و در بستری از ضعف ایمان و عمل در میان برخی مسلمانان (علت درونی)، با بهره‌گیری از جاذبه‌های تجربه‌محور، لذت‌گرا و آزادی بخش ظاهری خود، توانسته است گروهی از مردم را به سوی خود جلب کند. این تحلیل، هم به ریشه‌های جهانی این پدیده می‌پردازد و هم به آسیب‌پذیری‌های داخلی، که مقابله با آن را ضروری می‌سازد، اشاره می‌کند.

۲. آسیب‌های فرقه‌های نوظهور

از نگاه علامه مصباح یزدی، عرفان‌های نوظهور صرفاً دارای ضعف‌های نظری نیستند؛ بلکه با مجموعه به هم تنیده‌ای از آسیب‌های عملی نیز همراه‌اند که حیات فردی و اجتماعی دینداران را تهدید می‌کند. مهم‌ترین این آسیب‌ها را می‌توان در محورهای ذیل تبیین کرد.

۲-۱. خطر منافقان و رهبران فریبنده این جریان‌ها

اولین آسیب از آسیب‌های جدی و نگران‌کننده در زمینه عرفان‌های نوظهور، ظهور رهبران فریبنده و جریان‌هایی است که با چهره‌ای دینی و معنوی، اما با اهدافی غیرالهی، به جذب افراد - به ویژه جوانان - می‌پردازند. علامه مصباح یزدی با تأکید بر خطر این گروه‌ها، آنها را مصداق بارز منافقان می‌داند؛ کسانی که برخلاف کفار آشکار، با نقاب دین‌داری، از درون به تخریب باورهای دینی و انحراف معنوی جامعه می‌پردازند.

از منظر ایشان، خطر منافقان از دشمنان آشکار بیشتر است؛ زیرا «کافری که از رو شمشیر می‌کشد و می‌گوید من دشمن شما هستم، ترس ندارد. ترس از منافق است که می‌گوید من با شما هستم؛ اما از پشت خنجر می‌زند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵). این گروه‌ها با استفاده از احساسات پاک جوانان مسیرهایی را پیشنهاد می‌کنند که به ظاهر دینی و معنوی‌اند، اما در باطن، از مسیر بندگی و شریعت اسلامی انحراف دارند.

علامه مصباح یزدی همچنین به شگردهای سازمان‌یافته این جریان‌ها اشاره می‌کند. یکی از روش‌های رایج، جذب افراد ثروتمند و سرمایه‌دار برای تأمین منابع مالی و گسترش تشکیلات است. وی توضیح می‌دهد که دین‌سازان و فرقه‌پردازان با سوءاستفاده از گرایش فطری انسان به خداجویی و معنویت، احساسات دینی افراد را به خدمت اهداف شخصی و سیاسی خود درمی‌آورند. این افراد با تأسیس مذاهب

ساختگی، ارضای بدلی تمایلات عرفانی را جایگزین سلوک حقیقی می‌کنند و افراد را به سمتی سوق می‌دهند که در نهایت، منافع رهبران فرقه تأمین شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۹۲).

بنابراین، خطر اصلی عرفان‌های نوظهور در رهبران فریبنده‌ای نهفته است که با چهره‌ای معنوی، اما با اهدافی غیرالهی، به جذب افراد می‌پردازند. این جریان‌ها با بهره‌گیری از احساسات دینی، تبلیغات گسترده، و ادعاهای ارتباط با مقام‌های مقدس، مسیر حقیقی بندگی را تحریف می‌کنند و جوانان پاک‌دل را به دام می‌کشاند.

۲-۲. جایگزینی تمرین و دستورالعمل‌های انسانی با احکام شرعی

دومین آسیبی که می‌توان به آن اشاره کرد، جایگزینی ریاضت‌های فردی و تمرین‌های ذهنی و جسمی با مسیر بندگی و التزام به احکام شرعی است. علامه مصباح یزدی بر این نکته تأکید دارد که کمال و تقرب به خداوند، تنها در سایهٔ بندگی حاصل می‌شود؛ بندگی‌ای که باید در تمام ابعاد وجود انسان، از دل و نیت گرفته تا رفتار و عمل، تجلی یابد. عرفان‌هایی که تنها بر توجه قلبی یا حالات درونی تأکید دارند، بدون التزام به احکام شرعی و وظایف اجتماعی، از منظر اسلام ناقص و گمراه‌کننده‌اند. برخی از این جریان‌ها با ادعای وصول به مقام «انسان کامل»، خود را از تکلیف شرعی بی‌نیاز می‌دانند؛ امری که با روح بندگی و سلوک اسلامی در تضاد است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۸۰).

لذا علامه تأکید می‌کند که عرفان حقیقی همان شناخت و معرفتی است که در سایهٔ عبادت خالصانه حاصل می‌شود؛ عرفانی که در پرتو آن، همه چیز در برابر عظمت الهی رنگ می‌بازد و بی‌اعتبار می‌شود؛ اما همان‌گونه که هر کالای ارزشمند نمونه‌های تقلبی فراوانی دارد، عرفان نیز از این آسیب مصون نمانده است و بدل‌های فراوانی از آن در قالب عرفان‌های نوظهور عرضه شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۹۳).

ویژگی مشترک بسیاری از جریان‌های عرفانی، تلاش برای دستیابی به معرفت از طریق ریاضت‌های باطنی است. این روش‌ها، به‌ویژه برای جوانانی که از فرهنگ مادی خسته شده‌اند، جذابیت دارد و آنان را به‌سوی تمرین‌های روحی و معنوی سوق می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۶). با این حال این گرایش‌ها، اگر بدون التزام به وحی و مسیر بندگی باشند، نمی‌توانند انسان را به معرفت حقیقی و قرب الهی برسانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۸۰).

بنابراین از دیدگاه علامه مصباح یزدی، جایگزینی احکام شرعی با ریاضت‌های فردی و دستورالعمل‌های برآمده از اندیشهٔ انسانی، یکی از آسیب‌های جدی عرفان‌های نوظهور است. این جریان‌ها با تمرکز بر تمرین‌های ذهنی و جسمی، مسیر بندگی را به حاشیه رانده و عرفان را از حقیقت الهی آن تهی کرده‌اند؛ درحالی‌که عرفان اسلامی در جوهرهٔ خود چیزی جز بندگی خالصانه و سلوک شرعی نیست و نتیجهٔ این بندگی خالصانه، رسیدن انسان به تقرب الهی می‌شود.

۲-۳. انحراف از مسیر دین و تقلیل معنویت به قدرت‌های روحی و تجربه‌های شخصی

پس از آنکه مشخص شد عرفان‌های نوظهور مسیر بندگی و عبادت خالصانه الهی را به انحراف می‌کشاند، آسیب دیگری از این جریان‌ها دامن انسان‌ها را می‌گیرد. بنابراین یکی از آسیب‌های بنیادین در عرفان‌های نوظهور را می‌توان تقلیل معنویت به تجربه‌های فردی و قدرت‌های روحی دانست؛ امری که از منظر علامه مصباح یزدی، انحرافی جدی از مسیر دین و عرفان به‌شمار می‌رود. از همین‌رو ایشان تأکید می‌کنند که عرفان حقیقی بر معرفت خداوند و بندگی خالصانه مبتنی است که نتیجه آن، شهود جلوه‌های الهی و درک بهتر خداوند است. در مقابل، «روش‌های عملی و ریاضت‌های روحی و بدنی - که عرفان عملی می‌خوانند - هیچ یک عرفان به‌شمار نمی‌آید» (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ج، ۱، ص ۱۷۱) و «همه آنها باعث انحراف و فساد جامعه می‌شوند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۹۴).

علامه با اشاره به شباهت‌های ظاهری میان کرامات عرفای الهی و توانایی‌های مرتاضان، هشدار می‌دهد که این شباهت‌ها نباید موجب خلط مفاهیم شوند. وی تفاوت میان این دو را همانند تفاوت میان معجزه و سحر می‌داند؛ معجزه، عطیه‌ای الهی است که بدون تلاش شخصی و از جانب خداوند به پیامبران و اولیای الهی اعطا می‌شود؛ درحالی‌که سحر نتیجه تمرین و ریاضت ساحران است. این تمایز، در عرفان نیز صادق است: «یکی قدرت روحی است که بر اثر ریاضت به‌دست آمده است و دیگری لطفی است که خدا به عارف عطا کرده است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵). ایشان در این باره بیان کرده‌اند:

در عرفان‌هایی که امروزه در اروپا و آمریکا مطرح می‌شود، عرفان... یعنی روشی که انسان با اجرای برنامه‌ها و ریاضت‌هایی به درک و آرامش روحی‌ای فراتر از آنچه در سایه عوامل مادی پیدا می‌شود، نائل شود؛ غالباً هم امروزه در اروپا و آمریکا، این هندوئیست‌ها و بودیست‌ها هستند که آنها را با استفاده از برنامه‌های ورزشی یوگا و مانند آن آرامش می‌دهند؛ یعنی عرفان آنها برگرفته از عرفان شرقی چین و هندوستان است. محور فکر آنها شناخت خدا نیست؛ بلکه حالت روحی برتری است که خودشان انتظار دارند و این حالت دو ویژگی دارد: اول اینکه چیزهایی را درک می‌کنند که دیگران درک نمی‌کنند؛ و دیگر اینکه توان کارهایی را پیدا می‌کنند که دیگران نمی‌توانند آنها را انجام دهند. نمونه آن، مرتاضان هندی‌اند که چیزهایی از آنها شنیده‌اید و اگر کسانی هم به هندوستان مسافرت کرده‌اند، نمونه‌های آن را دیده‌اند؛ افرادی که ریاضت‌های خیلی سخت و عجیبی می‌کشند و قدرت‌هایی پیدا می‌کنند و به اطلاعاتی دست می‌یابند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵).

در عرفان‌های نوظهور، تمرکز بر تقویت روح از طریق ریاضت‌های جسمی و ذهنی، جایگزین بندگی و سلوک شرعی شده است. علامه با اشاره به آیین‌های مرتاضان هندی، از جمله جوکی‌ها، توضیح می‌دهد که این افراد

با تحمیل ریاضت‌هایی چون کاهش شدید تغذیه یا کنترل تنفس، در پی افزایش قدرت روحی‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۳). این روش‌ها، گرچه ممکن است به نتایجی منجر شوند، از منظر اسلامی فاقد ارزش معنوی‌اند؛ زیرا هدف آنها تقرب به خدا نیست؛ بلکه دستیابی به توانایی‌های خارق‌العاده است.

از سوی دیگر، ایشان به تحریف تاریخی عرفان نیز اشاره می‌کنند. عرفان، در اصل از سوی انبیا برای هدایت بشر و ارضای حس فطری معنویت عرضه شده است؛ اما در طول تاریخ، به‌ویژه در بستر تحریف ادیان، دچار انحراف‌های جدی شده و آموزه‌های خرافی و متناقض در آن راه یافته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۶۸).

این تحلیل نشان می‌دهد که یکی از آسیب‌های جدی عرفان‌های نوظهور، تقلیل معنویت و عرفان به تجربه‌های فردی و قدرت‌های روحی است؛ رویکردی که نه تنها از مسیر دین فاصله دارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات فکری و عملی گسترده‌ای در جامعه شود.

به‌باور علامه مصباح یزدی، در عرفان‌های کاذب تأکید می‌شود که راه رسیدن به کمالات معنوی، صرفاً دین نیست و نباید مسیر را در این امر خلاصه کرد. این تفکر به شدت آسیب‌زاست و باعث فساد فکر و عمل جوانان می‌شود:

یک فکر ریشه‌ای تبلیغ می‌شود که در دنیا تازگی ندارد؛ اما در کشور ما تقریباً عمر زیادی ندارد. اساس این فکر آن است که راه رسیدن به کمالات معنوی، تنها دین نیست. اصل مفروض و پیش‌فرض آنها این است که انسان یک ارزش‌های معنوی دارد که باید به آن نائل شود؛ به کمالاتی می‌تواند برسد که از راه علوم مادی مانند صنعت و تکنولوژی به آن نمی‌رسد؛ اما غیر از دین، راه دیگری هم برای رسیدن به این کمالات هست که احیاناً از دین هم آسان‌تر است؛ لاقلاً در بعضی بخش‌ها از لحاظ زمان کوتاه‌تر است و با گذراندن دوره محدودی انسان می‌تواند به آن نتایج برسد. آنها واژه‌ای را به کار می‌برند که در فرهنگ ما به «عرفان» ترجمه شده است؛ می‌گویند راه رسیدن به حقیقت، فقط دین نیست. اگر در سایه دین به حقیقت یا آن کمالاتی که انسان برای آن آفریده شده است - یعنی کمالات فرامادی - می‌رسیم، راه دیگری هم وجود دارد که راه عرفان است؛ اگر انسان‌ها هیچ دینی هم نداشته باشند، حتی خدا را هم قبول نداشته باشند، راهی به نام عرفان وجود دارد که می‌توانند آن راه را ببینند و به حقیقت و آرامش کامل برسند و مطالبی را درک کنند که دیگران از درک آن عاجزند؛ چیزهایی را ببینند که دیگران نمی‌بینند؛ کارهایی را انجام دهند که دیگران نمی‌توانند از عهده آن برآیند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵).

عرفان الهی ریشه در ادیان آسمانی دارد و مبتنی بر عبادت خالصانه و بندگی خداوند است؛ درحالی‌که عرفان غیرالهی - که در میان بت‌پرستان، بودایی‌ها و هندوها رایج است - بر تمرین‌های بدنی و روحی خاصی استوار است؛ به‌هدف افزایش قدرت‌های فردی، نه تقرب به خداوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۷۱). حتی تربیت اخلاقی نیز در سایه عبادت خداوند شکل می‌گیرد (دهقان کلور، ۱۴۰۲، ص ۴۱-۴۳).

در نتیجه، مقابله با این خطرات، نیازمند آگاهی‌بخشی، تحلیل علمی، و تقویت آموزه‌های دینی در جامعه است که در ادامه پس از بیان مبانی نظری علامه مصباح یزدی به این نکات پرداخته می‌شود.

۳. مبانی نظری مرتبط با دیدگاه علامه مصباح یزدی

در تحلیل آسیب‌شناسانه معنویت‌های نوظهور از منظر علامه مصباح یزدی، شناخت برخی مبانی نظری ایشان امری ضروری است. این مبانی، چهارچوب معرفتی و هستی‌شناختی ایشان را در مواجهه با عرفان‌های نوظهور روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که نقد ایشان بر این جریان‌ها، صرفاً واکنشی سطحی نیست؛ بلکه مبتنی بر اصولی عمیق در انسان‌شناسی و دین‌شناسی اسلامی است.

۳-۱. فطرت خداجوی انسان

علامه مصباح یزدی با استناد به آیات قرآن کریم انسان را موجودی فطرت‌مدار می‌داند که گرایش به خداوند در ضمیر او نهاده شده است. آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) به روشنی بر این حقیقت تأکید دارد. این فطرت همان گرایش ذاتی به توحید، حق‌طلبی و حقیقت‌جویی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵) که در روایات متعدد مورد تأیید قرار گرفته است؛ از جمله روایت زراره از امام صادق (علیه السلام) که در آن، وی از حضرت درباره این آیه شریفه سؤال می‌پرسد و حضرت پاسخ می‌فرماید: «همه را بر فطرت یگانه‌پرستی آفریده است» (کلینی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۳۵).

بر اساس این دیدگاه، انسان به‌طور طبیعی در مسیر خداوند و راه راست حرکت می‌کند؛ اما عوامل بیرونی و درونی، از جمله وسوسه‌های شیطانی و جاذبه‌های دنیوی، می‌توانند او را از مسیر فطرت منحرف کنند. علامه مصباح با توجه به این نکته می‌فرماید: «اما گاهی عوامل شیطانی انسان را از مسیر خداوند و راهی که فطرت خداداد برای انسان ترسیم کرده، منحرف می‌سازند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ب، ج ۱، ص ۶۴). همچنین مفسران، از جمله علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان، فطرت ذکرشده در آیه را فطرت توحیدی می‌داند و آن را اساس دین قیّم معرفی می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۷۸). این دیدگاه، مبانی نظری مهمی برای نقد معنویت‌های نوظهور فراهم می‌آورد؛ چراکه هر گونه معنویتی که از این فطرت الهی فاصله بگیرد، نمی‌تواند انسان را به مقصد نهایی، یعنی کمال و قرب الهی، رهنمون سازد. «بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان طوری آفریده شده که وجودش بُرداری است و جهتی را نشان می‌دهد. این گونه نیست که انسان رها باشد و سمت‌وسویی نداشته باشد. در درون او عاملی وجود دارد که او را به سمت خاصی [خدا] سوق می‌دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۹/۰۸/۰۵).

بر این اساس، برای حفظ جهت‌گیری فطری انسان و جلوگیری از انحراف، نیاز به راهی روشن و مطمئن وجود دارد؛ راهی که بتواند فطرت الهی را شکوفا سازد و انسان را به مقصد نهایی (قرب الهی یا بی‌نهایت شدن) برساند.

۳-۲. دین، تنها مسیر آرامش

انسان بر پایه فطرت خداجوی خود، برای یافتن مسیر صحیح نیازمند نقشه راهی روشن و مطمئن است. این نقشه راه همان دین الهی است که از سوی خداوند متعال برای هدایت بشر نازل شده است. دین، نه تنها پاسخ‌گوی نیازهای فطری انسان است، بلکه تنها مسیر تحقق کمال انسانی و آرامش حقیقی به‌شمار می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۳، ص ۱۷۰). دین الهی با تبیین تأثیر پدیده‌های مختلف در سعادت یا شقاوت انسان، مسیر صحیح را به انسان نشان می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۳).

از این منظر، کمال انسانی تنها در گرو حرکت در مسیر فطرت توحیدی و قرب الهی است؛ چنان‌که علامه مصباح یزدی تصریح می‌کند: «کمال انسان مسیر مشخصی دارد که اگر انسان از آن مسیر تخلف و تخطی کند، به کمال نمی‌رسد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ الف، ص ۲۶). بنابراین، معنویت‌هایی که از مسیر دین الهی و فطرت توحیدی منحرف شده‌اند، نه تنها از هدایت واقعی بی‌بهره‌اند، بلکه ممکن است انسان را از حقیقت دور سازند و آرامش حقیقی را از او سلب کنند. از این‌رو انسان برای آنکه بتواند مسیر دین الهی را به‌درستی بشناسد و در آن مسیر گام بردارد، نیازمند هدایت مستقیم الهی از طریق پیام‌آوران وحی است؛ مسیری که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۳-۳. معصومین تنها مسیر دین

با توجه به جایگاه دین در پاسخ‌گویی به نیازهای فطری انسان، پرسش اساسی آن است که: این مسیر الهی چگونه به انسان عرضه می‌شود و چه سازوکارهایی برای تحقق آن در زندگی بشر وجود دارد؟ پاسخ این پرسش، در بحث ضرورت نبوت نهفته است. انسان با وجود بهره‌مندی از عقل و تجربه، در بسیاری از مسائل بنیادین زندگی، همچون هدف آفرینش، مسیر کمال و حقیقت سعادت، دچار حیرت و سردرگمی است. عقل بشر، هرچند در تشخیص برخی مصالح و مفاسد توانمند است، در برابر مسائل غیبی، ابدی و فرامادی، به «نمی‌دانم» می‌رسد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ ب، ج ۲، ص ۱۷۲). از این‌رو برای دستیابی به کمال مطلوب، نیازمند راهنمایی فراتر از عقل بشری است؛ راهی که از سوی خالق انسان برای هدایت او مقرر شده باشد. این راه، همان وحی الهی است که بر اساس حکمت خداوند، به‌مثابه نقشه راه سعادت انسان نازل شده است.

وحی الهی، برای آنکه در دسترس بشر قرار گیرد، نیازمند واسطه‌ای است که بتواند آن را دریافت و به انسان‌ها منتقل کند. این واسطه، پیامبران الهی‌اند که از سوی خداوند برگزیده شده‌اند تا راه هدایت را به بشر نشان دهند. ضرورت نبوت، از همین نیاز انسان به هدایت الهی ناشی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ ب، ص ۱۰۳). اگر خداوند پاسخ مسائل حیاتی بشر را از طریق وحی و نبوت ارائه ندهد، نقض غرض لازم می‌آید و هدف خلقت انسان، که همان قرب الهی و کمال معنوی است، تحقق نخواهد یافت (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ ب، ج ۲، ص ۱۷۲).

مهم‌ترین جلوه وحی الهی، قرآن کریم است که به‌عنوان کتاب هدایت، از سوی خداوند بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است. قرآن، نه‌تنها مجموعه‌ای از احکام حقوقی و اخلاقی است، بلکه هدف اصلی آن، هدایت انسان به‌سوی کمال معنوی و قرب الهی است. احکام حقوقی قرآن در خدمت اهداف اخلاقی و تربیتی آن قرار دارند و این آمیختگی، نشان‌دهنده آن است که دین الهی تنها به تنظیم روابط اجتماعی بسنده نمی‌کند؛ بلکه به‌دنبال تعالی روح انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۳، ص ۶۵ و ۱۷۰).

قابل ذکر است که پس از پیامبر اکرم ﷺ، استمرار هدایت الهی نیازمند جانشینانی است که بتوانند مسیر وحی را برای انسان‌ها تبیین و تفسیر کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف، ص ۹۳).

۴. راهکارهای مقابله و پیشگیری

با توجه به آسیب‌های متعدد عرفان‌های نوظهور و تأثیر آنها بر باورهای دینی و تربیت معنوی، علامه بر ضرورت مقابله‌ای علمی، فرهنگی و تربیتی تأکید دارد. ایشان معتقدند که پیشگیری از نفوذ این جریان‌ها نیازمند بازسازی معرفتی، الگوسازی رفتاری و تعامل هوشمندانه با نسل جوان است. در این قسمت، پنج محور اصلی از راهکارهای پیشنهادی ایشان بحث می‌شود.

۴-۱. تبیین مبانی معرفتی دین در خانواده، مدرسه و رسانه

از منظر علامه مصباح یزدی، نخستین و بنیادی‌ترین گام در مقابله با نفوذ معنویت‌های نوظهور، تقویت مبانی معرفتی دین در نهادهای اصلی تربیتی جامعه است. این فرایند باید با خانواده آغاز شود؛ در نظام آموزش و پرورش نهادینه گردد و از طریق رسانه‌ها به سطح عمومی جامعه گسترش یابد.

خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی و تربیتی، نقش محوری در شکل‌گیری باورهای دینی و معنوی فرزندان دارد. والدین باید با تقویت پیوند عاطفی با فرزندان، زمینه تربیت دینی آنان را فراهم سازند. تربیت دینی مؤثر نیازمند محبت، منطقی و گفت‌وگوی صمیمانه است، نه تحکم و تهدید. به‌باور علامه مصباح یزدی، برخورد‌های خشک و تحکم‌آمیز نه‌تنها مؤثر نیستند، بلکه ممکن است موجب دلزدگی و انحراف شوند؛ از همین رو می‌فرمایند: «باید با مهربانی و با صمیمیت اعتماد جوان را جلب کنیم تا بفهمد ما خیرخواهش هستیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ د). در نتیجه، والدین می‌توانند روی فرزند تأثیر داشته باشند و او را به‌سمت تربیت دینی سوق دهند. لذا تربیت دینی بدون رابطه عاطفی سالم با فرزندان ثمربخش نیست. اگر نوجوان احساس کند که والدین او را درک می‌کنند و خیرخواه اویند، پذیرای گفت‌وگوی دینی خواهد شد. در غیر این صورت، حتی سخن درست هم اثر نمی‌گذارد. لذا ایشان بر این نکته اصرار داشتند که والدین از تهدید و تحکم بپرهیزند و با زبانی محبت‌آمیز فرزندان را به فهم تدریجی باورهای دینی راهنمایی کنند.

ایشان همچنین بر ضرورت آموزش تدریجی و متناسب با سنین مختلف در کنار برخورد مهربانانه با فرزندان تأکید دارند و پیشنهاد می‌کنند که والدین برای کودکان، نوجوانان و جوانان، سلسله‌ای از دروس دینی طراحی کنند که با زبان ساده و قابل فهم به تبیین مبانی اعتقادی بپردازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳).

پس از خانواده، نهاد آموزش و پرورش نقش کلیدی در تثبیت و تعمیق باورهای دینی و مصون‌سازی جوانان در برابر جریان‌های انحرافی ایفا می‌کند. هیچ اصلاح اجتماعی پایدار بدون اصلاح فرهنگ و آموزش امکان‌پذیر نیست. در تحلیل تاریخی ایشان، انحطاط جوامع اسلامی همچون اندلس، نتیجه نفوذ دشمنان در نظام فرهنگی و آموزشی آن جوامع بوده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۳). لذا بیان می‌کنند که دولت اسلامی باید نظام آموزشی را از دبستان تا دانشگاه تحت نظارت دقیق قرار دهد تا دشمنان نتوانند با مشوش کردن فضای فرهنگی، جوانان را گمراه کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)؛ همچنین باید به رفع نیازهای معنوی آنان اقدام کند (مصباح یزدی، ۱۴۰۳، ص ۹).

بر همین اساس، ایشان خواهان تدوین متون آموزشی دینی متناسب با سنین مختلف بودند تا نوجوانان به تدریج و با استدلال‌های ساده و روشن، به مبانی اعتقادی مجهز شوند و شبهاتشان پاسخ داده شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۹۴)؛ چراکه این شیوه، هم عقلانیت را تقویت می‌کند و هم از گرایش به معنویت‌های سطحی و احساسی جلوگیری خواهد کرد.

علامه مصباح تأکید دارد که بیان مطالب دینی باید با توجه به سطح فهم مخاطب، به زبان ساده و با استدلال منطقی صورت گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳)؛ چراکه استفاده از بیان پیچیده فلسفی در مرحله آغازین تربیت دینی، جوانان را دلزده می‌کند و حتی ممکن است آنان را به سوی معنویت‌های جایگزین سوق دهد. ایشان معتقدند که اگر جوانان پاسخ شبهات خود را نیابند، این شبهات مانند موریانه در ذهن آنان نفوذ می‌کند و موجب سستی در باورهای دینی می‌شود. از این رو حضور دین‌شناسان متخصص و متعهد در جامعه ضروری است تا بتوانند با ارائه ادله محکم، از ارزش‌های دینی دفاع کنند و تدین مردم را تعمیق بخشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص ۲۴۲).

بنابراین شرط لازم برای هدایت، علم و آگاهی است؛ لذا ایشان بر مسئولیت همگانی در افزایش آگاهی دینی تأکید می‌ورزند و معتقدند که باید از خانواده آغاز کرد و سپس این آگاهی را به سطح جامعه و حتی جهان گسترش داد؛ چراکه همه انسان‌ها بندگان خداوندند و شایسته بهره‌مندی از معارف الهی‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف).

۴-۲. الگوسازی و تشویق جوانان دیندار

در فرایند تربیت دینی و مقابله با گرایش‌های انحرافی معنوی، از جمله عرفان‌های نوظهور، یکی از مؤثرترین راهبردها، الگوسازی صحیح و تشویق جوانان به دینداری آگاهانه و فعال است. علامه مصباح

یزدی با تأکید بر نقش الگو در تربیت انسان، به‌ویژه در دوران جوانی، معتقد است که ارائه الگوهای دینی و معنوی زمینه‌ساز هدایت فکری و رفتاری نسل نو است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۲) و می‌تواند آنان را از افتادن در دام معنویت‌های کاذب بازدارد.

جوانان در مرحله شکل‌گیری شخصیت، بیش از هر چیز نیازمند الگوهایی زنده و قابل اقتداند. لذا علامه مصباح با هشدار به اینکه تهاجم فرهنگی و تبلیغات گسترده رسانه‌های معاند به ترویج الگوهای فاسد و گمراه‌کننده در میان نوجوانان می‌پردازد، بیان می‌کند که اگر جامعه اسلامی نتواند الگوهای برتر و حقیقی را به جوانان عرضه کند، آنها به‌ناچار به الگوهای بدلی روی خواهند آورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۲).

از این رو «الگوسازی» یکی از سازوکارهای بنیادین تربیت و مقابله با جنگ نرم فرهنگی است که در روان‌شناسی نیز مطرح است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).

به‌باور علامه مصباح یزدی، الگوگیری باید با تشویق به مشارکت در فعالیت‌های دینی و معرفتی همراه باشد؛ زیرا این فضاها زمینه‌آشنایی آنان را با سیره‌ا‌هل بیت (ع) و اسوه‌های ایمانی فراهم می‌سازد و می‌تواند علاقه‌آنها را به دین تقویت کند. ایشان در نظریه حقوقی/اسلام می‌نویسد: «باید جوان‌ها را تشویق کنیم که در جلسات بحث از معارف اسلام شرکت کنند تا مبنای دینی را فرا بگیرند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۶۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۲، الف، ص ۱۸۱).

با توجه به آثار ایشان می‌توان سه دسته از الگوهای تربیتی را برای جوانان معرفی کرد که هر یک نقش ویژه‌ای در هدایت معنوی و فکری نسل نو دارند. تاریخ اسلام سرشار از نمونه‌های الگویی برای جوانان است که زندگانی آنان می‌تواند برای نسل امروز الهام‌بخش باشد. در رأس الگوهای تربیتی، شخصیت‌های معصوم قرار دارند که از نظر معرفت، اخلاق، عبودیت و مسئولیت‌پذیری، کامل‌ترین الگوهای انسانی‌اند. علامه مصباح یزدی با تأکید بر نقش اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در تربیت دینی، مجالس ذکر ایشان را بستری برای ترسیم چهره‌های ماندگار و ارائه الگوهای رفتاری صحیح می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۲). برای نمونه، از حضرت فاطمه زهرا (علیها‌السلام) یاد می‌کند که در شش‌هفت‌سالگی همچون «ام‌بیها» از پدر بزرگوارش پرستاری و حمایت می‌کردند و با نشاط و احساس مسئولیت، غبار خستگی را از چهره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌زدودند. این رفتار برای نوجوانان امروز می‌تواند نمونه‌ای از مسئولیت‌پذیری زود هنگام و به‌کارگیری توان و نیروی جوانی در خدمت ارزش‌های الهی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳).

علامه مصباح یزدی، سپس با توجه به عدم دسترسی مستقیم به معصومان در عصر غیبت، بر ضرورت الگوگیری از شخصیت‌هایی تأکید می‌کند که از نظر علم، تقوا و معنویت، شباهت بیشتری به اهل بیت علیهم‌السلام دارند.

ایشان در کتاب نقش تقلید در زندگی/انسان می‌نویسد: «وقتی نمی‌توانیم مستقیماً به معصوم تأسی کنیم، باید بکوشیم به کسی تأسی کنیم که به معصوم نزدیک‌تر و شبیه‌تر است» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱هـ، ص ۱۰۲) و می‌توان مصداق بارز این الگوها را علمای دین دانست. در این زمینه، ایشان از شهید مطهری به‌عنوان الگویی برجسته یاد می‌کنند که با دانش و بصیرت توانست به نیازهای فکری جامعه پاسخ دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۲۴۲).

در آخر، ایشان به نقش جوانان مؤمن و فداکار در جامعه اسلامی اشاره می‌کنند و آنان را نمونه‌هایی از الگوهای تربیت‌یافته در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) معرفی می‌نمایند؛ اینان همان کسانی‌اند که تابع مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند و الگوی خودشان را از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) گرفته‌اند و برای تحقق آرمان‌های اسلامی از جان و مالشان می‌گذرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱هـ، ص ۲۷۰). مصداق بارز این نوع الگوها، شهدای هشت سال دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم‌اند. این نوع الگوها، به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و جهادی، می‌توانند انگیزه‌ای برای جوانان باشند تا دینداری را نه فقط در سطح فردی، بلکه در سطح اجتماعی و تمدنی تجربه کنند.

در نتیجه از دیدگاه علامه مصباح یزدی، معرفی الگوهای مناسب برای جوانان یکی از ارکان اساسی در مقابله با عرفان‌های نوظهور و تربیت معنوی نسل نو است. این الگوها باید هم از نظر معرفتی و اخلاقی غنی باشند و هم در زندگی عملی قابل مشاهده و اقتدا.

۳-۴. توجه به منابع و شخصیت‌های اصیل دینی

یکی دیگر از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با نفوذ عرفان‌های نوظهور، تقویت بنیه معرفتی و فکری نسل جوان از طریق مطالعه منابع اصیل اسلامی است. علامه مصباح یزدی با تأکید بر نقش مطالعه در رشد ایمان و مصونیت از شبهات، آن را نه تنها یک توصیه تربیتی، بلکه وظیفه‌ای دینی و فرهنگی می‌داند. از منظر ایشان، در عصر تهاجم فرهنگی و گسترش ابزارهای رسانه‌ای، مطالعه و مباحثه دینی باید به‌عنوان فعالیتی مستمر در زندگی افراد جای گیرد تا زمینه‌ساز رشد معرفت و تثبیت هویت دینی باشد. ایشان با هشدار درباره غفلت از مطالعه و تفکر، تصریح می‌کنند که بی‌توجهی به معارف دینی زمینه‌ساز نفوذ تبلیغات ضددینی و عرفان‌های انحرافی است و مطالعه راهی برای مقابله با این بمباران فرهنگی و حفظ هویت دینی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲الف، ص ۱۱۸). لذا بدون آن، ایمان به تدریج تضعیف می‌شود و زمینه برای نفوذ عرفان‌های نوظهور فراهم می‌آید.

اما این مطالعه باید بر پایه منابع اصیل و شخصیت‌های مورد اعتماد دینی استوار باشد. در این میان، سخنان و نوشته‌های امام خمینی (ره) و امام شهید خامنه‌ای (ره) از جمله منابعی هستند که با زبان ساده و درعین حال عمیق، مفاهیم دینی و اجتماعی را برای عموم مردم، به‌ویژه جوانان، تبیین کرده‌اند. این آثار برای کسانی که سطح مطالعاتی کمتری دارند، بسیار مفیدترند و می‌توانند زمینه‌ساز رشد فکری و تقویت روحیه دینی باشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲الف).

همچنین آثار شهید مطهری جایگاه ویژه‌ای دارند. علامه مصباح یزدی این آثار را منابعی عمیق، قابل فهم و دارای بیانی شیوا معرفی می‌کند که می‌توانند نیازهای فکری نسل جوان را پاسخ دهند و لذا آنان را در برابر شبهات عرفان‌ها و معنویت‌های نوظهور مصون سازند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ الف)؛ چراکه ایشان با اخلاص و تعهدی مثال‌زدنی، در برابر جریان‌هایی که می‌کوشیدند نسل جوان را بر پایه فرهنگ غربی تربیت کنند، سکوت نکردند و با وجود اشتغالات فراوان، با قلم خود به میدان آمدند. این حرکت، نمونه‌ای از فداکاری و فروتنی ایشان در میدان معرفت و معنویت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص ۹۵). آثار شهید مطهری نه تنها در حوزه‌های نظری، بلکه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز راهگشا بوده‌اند.

با این حال متأسفانه با گسترش ابزارهای نوین، مانند اینترنت، تلویزیون و رایانه، بسیاری از جوانان فرصت مطالعه و حضور در جلسات علمی را از دست داده‌اند. علامه مصباح با اشاره به این وضعیت، با ارائه راهکارهای عملی، توصیه می‌کند که افراد برای خود برنامه مطالعاتی منظم تعریف کنند و بخشی از وقت روزانه یا هفتگی را به مطالعه معارف دینی اختصاص دهند. این مطالعه باید همراه با تفکر، تحلیل و گفت‌وگو باشد؛ نه صرفاً مرور سطحی. ایشان تأکید می‌کنند که مطالب کتاب‌ها باید مورد گفت‌وگو قرار گیرند و نقد و بررسی شوند تا مسئله به‌طور کامل حل شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ج).

در این راستا، تشکیل جلسات گروهی با محوریت مطالعه و فعالیت علمی، راهکاری مؤثر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ الف، ص ۱۱۸). این جلسات، اگر با تعهد جمعی، تقسیم وظایف و مدیریت علمی همراه باشند، می‌توانند موجب انگیزه بیشتر، هضم بهتر مطالب و رشد فکری عمیق‌تر شوند. در صورت بروز ابهام، می‌توان به‌صورت دوره‌ای از یک استاد یا فرد آگاه دعوت کرد تا به سؤالات پاسخ دهد. این روش، نه تنها موجب رشد فردی، بلکه زمینه‌ساز اصلاح اجتماعی و فرهنگی نیز خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ج).

در نهایت، برای کسانی که در سطح تخصصی‌تری قرار دارند، مراجعه مستقیم به منابع اصلی، مانند قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام ضروری است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ الف). این منابع سرچشمه‌های ناب معرفت دینی‌اند و در پرتو آنها می‌توان به فهم عمیق‌تری از حقیقت دین و عرفان اصیل اسلامی دست یافت. لذا علامه مصباح تصریح می‌کند که اگر زندگی انسان رنگ خدایی داشته باشد، دین اسلام در آن تجسم یافته است؛ و برای دستیابی به این صبغه الهی، باید منابع دین را شناخت و آنها چیزی جز قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام نیستند که همه حوزه‌های عبادی، سیاسی، اجتماعی و فردی را دربرمی‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲ ج، ۱، ص ۴۳).

بنابراین، مسیر رشد معرفتی از مطالعه عمومی آغاز می‌شود؛ با آثار نخبگان فکری، مانند شهید مطهری، تعمیق می‌یابد و در نهایت با رجوع به منابع اصلی دین به کمال می‌رسد. این سیر مطالعاتی، نه تنها فرد را در برابر شبهات

عرفان‌های نوظهور مصون می‌سازد، بلکه او را به کنشگری فعال در عرصه فرهنگی و دینی جامعه تبدیل می‌کند.

۴-۴. گفت‌وگو و تعامل سازنده با جوانان به‌جای طرد سریع

یکی از مهم‌ترین الزامات تربیتی در مواجهه با گرایش جوانان به عرفان‌های نوظهور، ایجاد فضای گفت‌وگو و تعامل سازنده به‌جای طرد و برخوردهای تند و قهری است. با توجه به پیچیدگی تربیت نسل جوان، برخوردهای تحکمی و مستقیم نه‌تنها مؤثر نیست، بلکه موجب دلسردی، انزوا و گاه گرایش به مسیرهای انحرافی می‌شود. ایشان با توجه به این نکته تصریح می‌کنند: «برخورد تند و کوبنده با نوجوان صحیح نیست...؛ باید به‌آرامی و با نصیحت و به‌صورت غیرمستقیم آنها را متوجه کنیم... اگر نصیحت توأم با تندی و تحمیل باشد، کاری پیش نمی‌رود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰).

از منظر علامه مصباح یزدی، تربیت مؤثر زمانی حاصل می‌شود که مربی با درک شرایط روحی و سطح معرفتی مخاطب، گفت‌وگویی متناسب با فهم و ظرفیت او ترتیب دهد. وی در این باره می‌نویسد: «راه تربیت انسان‌ها همین است که متناسب با فهم افراد و مراتب معرفت و ایمانشان با آنها گفت‌وگو شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸). این اصل تربیتی، به‌ویژه در سنین بلوغ و رشد عقلانی، اهمیت بیشتری می‌یابد؛ چراکه نوجوان در این مرحله نیازمند برانگیختن نیروی تعقل و مشارکت در فرایند شناخت است، نه صرفاً تقلید و اطاعت (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۶۵). در این مسیر، توجه به جنبه‌های عاطفی و ایجاد حس اعتماد و محبت نقش کلیدی دارد. علامه مصباح یزدی با الهام از سیره پیامبر اکرم ﷺ تأکید می‌کند که تأثیرگذاری تربیتی زمانی حاصل می‌شود که مخاطب احساس کند گوینده خیرخواه اوست: «اگر بخواهیم در دیگران اثرگذار باشیم، باید طرف مقابل حس کند که خیر او را می‌خواهیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف). این اصل، نه‌تنها در تربیت کودکان، بلکه در تعامل با جوانان و حتی بزرگسالان نیز صادق است.

از سوی دیگر، ایشان با اشاره به سیره تربیتی امام علی علیه السلام در وصیت‌نامه خود به امام حسن علیه السلام، بیان می‌کنند که چگونه یک معصوم برای تأثیرگذاری بیشتر، خود را در جایگاه پدري پیر و دلسوز قرار می‌دهد تا جوانان بتوانند با او هم‌ذات‌پنداری کنند و از توصیه‌هایش بهره‌مند شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۶). این شیوه، الگویی برای مربیان و مبلغان دینی است تا در مواجهه با نسل جوان، از زبان محبت، همدلی و گفت‌وگوی مؤثر بهره گیرند. در نهایت، آیت‌الله مصباح بر ضرورت تقویت مبانی فکری جوانان از طریق مشارکت در جلسات معرفتی و گفت‌وگوهای آزاد تأکید دارند: «باید جوان‌ها را تشویق کنیم که در جلسات بحث از معارف اسلام شرکت کنند تا مبانی دینی را فرا بگیرند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۶۵). این مشارکت، نه‌تنها موجب رشد معرفتی، بلکه زمینه‌ساز تحکیم ایمان و مصونیت در برابر شبهات عرفان‌های نوظهور خواهد بود.

۴-۵. دعا و عبادات دینی

علامه مصباح یزدی در آخرین مرحله، بهترین جایگزین برای عرفان‌ها و معنویت‌های نوظهور و مؤثرترین راه مقابله با چنین اندیشه‌هایی را عبادات دین اسلام می‌داند که تأثیرات فراوانی در زندگی دنیوی و اخروی انسان به‌همراه دارد و کمترین تأثیر آن، جنبه روان‌شناختی عبادت است؛ یعنی آرامش انسان در دنیا؛ چراکه عبادت در روح و روان انسان تأثیر دارد. از این روست که خداوند می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) و ما این آرامش را می‌توانیم در خود تجربه کنیم. «اگر زمانی نگرانی شدیدی برای ما پیش آید و از پیشامدی در اضطراب باشیم، وقتی به نماز و مناجات با خدا بپردازیم، احساس آرامش و آسودگی می‌کنیم». حتی اثر آن را می‌توان در دیگران نیز مشاهده کرد؛ به این صورت که «نمازگزاران کمتر مبتلا به اضطراب و افسردگی می‌شوند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۸۶)؛ اما در مقابل، اگر انسان گمان کند که «مال، ثروت و جاه و مقام بدو آرامش می‌بخشد، سخت در اشتباه است»؛ زیرا قرآن آرامش انسان را منحصر در ذکر خداوند دانسته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۶ الف، ج ۱، ص ۱۳۹).

از این‌رو علامه مصباح با تأکید بر این مسئله که خداوند زمینه‌های رشد و سعادت انسان را فراهم کرده است تا به کمال خود برسد، به این نکته توجه می‌دهند که انسان اگر راهی را که خداوند تعیین کرده است، بپیماید، هم آرامش و شیرینی زندگی دنیا را خواهد چشید و هم از سعادت و لذت‌های آخرت بهره‌مند خواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ الف، ص ۹۸). ایشان با توجه به این نکته، حکمت چنین امری را در این می‌دانند که دلهره، اضطراب و فقدان آرامش و آسایش به این دلیل است که ارتباطمان با منبع هستی ضعیف شده است؛ لذا ارتباط با خداوند را موجب آرامش انسان می‌دانند و هرچه این ارتباط قوی‌تر باشد، آرامش انسان فزونی می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ و، ص ۲۲۲).

نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی نشان می‌دهد که عرفان‌های نوظهور، اگرچه در پاسخ به نیاز فطری انسان به معنویت و در واکنش به بحران‌های روحی و فرهنگی جهان معاصر شکل گرفته‌اند، به دلیل انحراف از مبانی وحیانی و الهی، نه تنها قادر به تأمین آرامش حقیقی انسان نیستند، بلکه با ایجاد جایگزین‌های کاذب، جوانان و حتی اқشار مؤمن جامعه را از مسیر کمال بازمی‌دارند. ایشان با تفکیک میان عرفان اصیل اسلامی، که غایت آن معرفت و قرب الهی است، و عرفان‌های شرقی یا غربی، که بیشتر معطوف به تجربه‌های ذهنی و توانایی‌های فردی‌اند، بر این نکته تأکید می‌کنند که هر گونه عرفان و معنویت فاقد پیوند با دین، نهایتاً به بن‌بست معرفتی و اخلاقی خواهد رسید.

راهکار اساسی علامه مصباح یزدی در مقابله با این جریان‌ها، بازگشت به منابع اصیل دینی، تبیین عقلانی مبانی معرفت دینی، تقویت آموزش‌های الهی در خانواده و نظام آموزشی، و بهره‌گیری از آثار متفکرانی چون شهید مطهری است.

منابع

قرآن کریم.

آندرسن، یوئیل استانلی (۱۳۹۳). سه کلمه جادویی: کلید قدرت، آرامش و فراوانی. تهران: لیوسا.
 باقری، حسین (۱۳۹۱). ملل آرامش در اخلاق اسلامی و معنویت‌های جدید. رساله دکتری اخلاق اسلامی. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
 دهقان کلور، محمدصادق (۱۴۰۲). روش‌های عام تربیت اخلاقی در بعد عاطفی براساس آثار آیت‌الله مصباح یزدی. معرفت، ۳۲(۳)، ۴۵-۳۵.

شریفی، احمدحسین (۱۳۸۸). عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب. قم: صهبای یقین.
 شلدراک، فیلیپ (۱۳۸۰). معنویت و الهیات. ترجمه حسن قنبری. هفت آسمان، ۳(۹)، ۲۷۲-۲۴۳.
 طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 قره‌باغی، حسن (۱۴۰۳). رؤیای آرامش. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۳۰ق). الکافی. قم: دار الحديث.
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). تهاجم فرهنگی، پدیدآور: عبدالجواد ابراهیمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲الف). آذرخشی دیگر از آسمان کربلا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲ب). کاوش‌ها و چالش‌ها. پدیدآور: محمدمهدی نادری قمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲ج). نظریه سیاسی اسلام. پدیدآور: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). به سوی او. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). سیمای شیعیان در کلام امیر مؤمنان (ع). (جلسه ۲۶). درس اخلاق، نرم‌افزار مشکات .
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹/۰۸/۰۵). آسیب‌شناسی فرقه‌های نوظهور، نرم‌افزار مشکات.
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). قرآن در آیین نهج البلاغه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰الف). آیین پرواز. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ب). سجاده‌های سلوک، شرح مناجات‌های امام سجاد (ع). پدیدآور: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). آفتاب مطهر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). به پیشواز خورشید غرب. گزارش سفر آیت‌الله مصباح یزدی به اسپانیا و آمریکا لاتین. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ج). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱د). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱و). راهیان کوی دوست: شرح حدیث معراج. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱هـ). نقش تقلید در زندگی انسان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲الف). تشکیل جامعه اسلامی؛ موانع و راهکارها. (مصاحبه)، نرم افزار مشکات.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ب). جامی از زلال کوثر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ج). سیمای سرفرازان. پدیدآور: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳الف). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی؛ مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در کشور لبنان. پدیدآور: محمدمهدی نادری قمی. ترجمه حسین علی عربی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳ب). معارف قرآن (۱۳). خلاشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳د). روش آشنا کردن نوجوانان با مسائل بنیادی (سخنرانی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی (دامت برکاته) در مراسم عزاداری به مناسبت شهادت امام جواد علیه السلام). نرم افزار مشکات.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴الف). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ب). پاسخ استاد به جوانان پرسشگر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ج). اولویت‌بندی علوم مورد نیاز انسان و یادگیری اصلی‌ترین آنها. [سخنرانی]. نرم افزار مشکات
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴د). پند جاوید: شرح وصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام. پدیدآور: علی زینتی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴هـ). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۵). رابطه علم و دین. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶الف). رهنوشه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶ب). نظریه حقوقی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷الف). علم، لازمه ترقی و کمال انسان (سخنرانی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در جلسه با جمعی از مسئولین اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان قم در تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۷). [سخنرانی]. نرم افزار مشکات.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷ب). راه و راهنماشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). در جست‌وجوی عرفان اسلامی. پدیدآور: محمدمهدی نادری قمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۳). مهمترین وظیفه حکومت اسلامی، رفع نیازهای معنوی. معرفت، ۳۳(۴)، ۵-۱۰.
- هان، تیک نات (۱۴۰۴). هنر زندگی کردن. ترجمه حسین آرا. تهران: نشرمون.

The Mennonites (n. d.). Retrieved July 19, 1404, from: <https://sites.ualberta.ca/~german/AlbertaHistory/Mennonites.htm>.

References

The Holy Qur'an.

Andersen, Uell Stanley (2014). *Three Magic Words: The Key to Power, Peace, and Plenty*. Tehran: Liusa.

Bagheri, Hossein (2012). *Model of Tranquility in Islamic Ethics and New Spiritualities*. PhD Dissertation in Islamic Ethics. Qom: University of Islamic Studies.

Dehghan Kalour, Mohammad Sadeq (2023). "General Methods of Moral Education in the Emotional Dimension Based on the Works of Ayatollah Mesbah Yazdi." *Ma'rifat*, 32(3), 35–45.

Sharifi, Ahmad Hossein (2009). *'Irfān-e Ḥaqīqī va 'Irfānhā-ye Kāzeb*. Qom: Sahbay-e Yaqin.

Sheldrake, Philip (2001). "Spirituality and Theology." *Trans. Hassan Qanbari. Haft Aseman*, 3(9), 243–272.

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (2011). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at.

Qarehbaghi, Hassan (2024). *Ro'yā-ye Ārāmesh*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Kulini, Muhammad ibn Yaqub (2009 CE). *Al-Kāfī*. Qom: Dar al-Hadith.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2002). *Tahājom-e Farhangī*. Ed. Abd al-Javad Ebrahimi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2003a). *Āzārkhāshī Dīgar az Āsmān-e Karbalā*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2003b). *Kāvoshhā va Chālesh-hā*. Ed. Mohammad Mahdi Naderi Qomi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2003c). *Naẓariyyeh-ye Sīyāsī-ye Islām*. Ed. Karim Sobhani. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2004). *Beh Sū-ye Ū*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2009). *Sīmā-ye Shī'ayān dar Kalām-e Amīr al-Mu'minīn* (Session 26). *Ethics Lesson*, Meshkat Software.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2010/08/05). *Āsīb-shenāsī-ye Ferqehā-ye Nowzohūr*. Meshkat Software.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2010). *Qur'ān dar Āyīneh-ye Nahj al-Balāgha*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2011a). *Āyīn-e Parvāz*. Qom: Imam Khomeini

Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2011b). Sajjādehā-ye Sulūk: Sharḥ-e Munājāthā-ye Imam Sajjād. Ed. Karim Sobhani. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012a). Āftāb-e Moṭahhar. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012b). Beh Pīshvāz-e Khorshīd-e Gharb. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012c). Porsesh-hā va Pāsokh-hā. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012d). Jāme‘e va Tārīkh az Negāh-e Qur’ān. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012e). Rāhiyān-e Kūy-e Dūst: Sharḥ-e Hadīth-e Mi‘rāj. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2012f). Naqsh-e Taqlīd dar Zendeḡi-ye Insān. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2013a). Tashkīl-e Jāme‘e-ye Islāmī: Mavāne‘ va Rāhkar-hā. (Interview), Meshkat Software.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2013b). Jāmī az Zolāl-e Kowsar. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2013c). Sīmā-ye Sarafrāzān. Ed. Karim Sobhani. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2014a). Chakīdeh-ī az Andīshehā-ye Bunyādīn-e Islāmī. Ed. Mohammad Mahdi Naderi Qomi. Trans. Hossein Ali Arabi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2014b). Ma‘ārif-e Qur’ān (1–3): Khodā-shenāsī, Keyhān-shenāsī, Insān-shenāsī. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2014d). Ravesh-e Āshnā Kardan-e Nowjavānān bā Masā’el-e Bunyādī. [Lecture]. Meshkat Software.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2015a). Akhlāq dar Qur’ān. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2015b). Pāsokh-e Ostād beh Javānān-e Porseshgar.

Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2015c). *Olaviyyat-bandī-ye ‘Ulūm-e Mored-e Nīyāz-e Insān*. [Lecture]. Meshkat Software.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2015d). *Pand-e Jāvīd: Sharḥ-e Vasiyyat-e Amīr al-Mu’minīn beh Farzandash Imam Hasan Mojtabā*. Ed. Ali Zeinati. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2015e). *Naqd va Barrasī-ye Maktab-hā-ye Akhlāqī*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2016). *Rābeṭe-ye ‘Elm va Dīn*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2017a). *Rah-Tūsheh*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2017b). *Naẓariyyeh-ye Ḥoqūqī-ye Islām*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2018a). *‘Elm, Lāzemeh-ye Taraqqī va Kamāl-e Insān*. [Lecture]. Meshkat Software.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2018b). *Rāh va Rāhnemā-shenāsī*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2019). *Dar Jostojū-ye ‘Irfān-e Islāmī*. Ed. Mohammad Mahdi Naderi Qomi. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2024). “The Most Important Duty of the Islamic Government: Meeting Spiritual Needs.” *Ma’rifat*, 33(4), 5–10.

Hanh, Thich Nhat (2025). *The Art of Living*. Trans. Hossein Ora. Tehran: Nashr-e Moon.